**درس هايى از فروع دين (3)**

**زكات, خمس و انفاق**

**نادعلى صالحى**

يكى از مسائل مهم جوامع, مشكلات و نيازهاى مالى فراوانى است كه به عللى بروز مى كند. تفاوت استعدادها در كسب علم يا به دست آوردن شغل, اختلاف امكانات, شكست هاى اقتصادى, جنگ ها, تصادفات و حوادث مختلف طبيعى مانند: سيل, زلزله, طوفان, خشك سالى, از جمله مشكلاتى است كه به طور مستقيم يا غير مستقيم در ميزان بهره مندى افراد از امكانات و رفاه زندگى و محروميت فردى و اجتماعى تأثير دارند.  
برخى سرشار از ذوق و استعدادند و مى توانند با كسب علوم و تخصص هاى لازم, زمينه بهره مندى از زندگى مناسب همراه با رفاه و آسايش را براى خود و فرزندانشان فراهم كنند و برخى ديگر به دلايل مختلف از جمله فقر و تهى دستى نمى توانند امتيازات اين گونه افراد را داشته باشند. هم چنين گاهى يك حادثه طبيعى مانند: سيل, جامعه يا فردى را هدف قرار داده, بى نيازى را نيازمند, خانه نشينى را خانه به دوش و كاخ نشينى را كوخ نشين مى كند.  
از طرفى در زندگى اجتماعى, مخصوصاً با توجه به زندگى شهرى و توسعه روز افزون آن, نيازهاى مختلفى خودنمايى مى كند كه ايجاد راه ها, پل ها, مدرسه ها, دانشگاه ها, درمانگاه ها, امنيت شهرها و جاده ها, حفظ محيط زيست و بهداشت عمومى, درختكارى, ايجاد فضاى سبز و آب رسانى از آن جمله است. از آن جا كه اسلام برنامه هاى خود را براساس واقعيت ها و با توجه به زواياى مختلف زندگى انسان و نيازهاى او تنظيم نموده و مسئوليت يكايك افراد را در مقابل فرد و جامعه تعيين كرده است, براى مقابله با چنين مشكلات و گرفتارى هايى برنامه هاى مالى گوناگونى را در قالب زكات, خمس, انفاق و غير آن ارائه داده است كه در اين مقاله با توجه به سطح معلومات دانش آموزان مقطع راهنمايى, هريك را به طور مختصر توضيح مى دهيم.

**1. زكات  
واژه شناسى**

زكات در لغت به معناى (نمو), (طهارت), (اصلاح) و (زيادتى)1 است.  
در قرآن كريم و روايات, مواردى از كاربرد زكات در معانى ذكر شده آمده است; مانند: (يتلو عليهم آياته ويزكيهم; پيامبر اكرم آيات خداوند را بر بندگان تلاوت مى كند تا آنان را پاك و اصلاح كند.)2  
امام على(ع) مى فرمايد: (المال تنقصه النفقه والعلم يزكو على الانفاق;3 مال با خرج كردن كم مى شود, اما علم و دانش با انفاق, نمو مى كند و مايه زيادى است.)  
همان طور كه مى بينيد زكات در آيه مذكور به معناى طهارت و اصلاح, و در روايت امير مؤمنان(ع) به معناى زيادتى و نمو است.  
اما زكات در اصطلاح و متناسب با معناى لغوى, به مقدار معيّنى از مال گفته مى شود و آن يك دهم يا يك بيستم يا غير آنها از نصاب هاست كه خداى بزرگ از صاحبان آن خواسته است در شرايط مخصوص در راه هايى كه تعيين شده خرج كنند.  
البته نگاه فراگير به موضوع و روايات زكات, اين نكته را روشن مى كند كه زكات تنها به امور مالى محدود نمى شود و مسائل معنوى و امور غير مادى را نيز شامل مى شود و در اين صورت معناى وسيع ترى پيدا مى كند.  
امام صادق(ع) مى فرمايد: (آگاه باش كه براى هر جزيى از اجزاى بدن تو بلكه براى هر مويى از موها و هر لحظه از لحظه هاى تو, زكاتى واجب است; پس زكات چشم, نگاه عبرت آموز و چشم پوشى از امور شهوت آلود است و زكات گوش, شنيدن علم و دانش و قرآن مى باشد.)4  
و نيز از آن حضرت نقل است كه فرمود: (كار خوب انجام دادن, زكات نعمت هاست و شفاعت و واسطه در كار خير شدن, زكات مقام و عمل, زكات بدن و عفو, زكات پيروزى مى باشد و هرچه زكاتش داده شود, از بين نرفتنى است.)5  
از حضرت على(ع) روايت شده كه فرمود: (زكات حلم و بردبارى, تحمل ديگران);6 (زكات قدرت, مروت)7; (زكات زيبايى, پاك دامنى)8; (زكات دارا بودن, نيكى به همسايگان و صله رحم)9; (زكات سلامتى, تلاش در راه بندگى خدا)10; (زكات شجاعت, جهاد در راه خدا)11; (زكات علم, منتشر كردن آن)12 و (زكات بدن, جهاد و روزه گرفتن است.)13  
همان طور كه قبلاً يادآور شديم زكات معروف و اصطلاحى همان است كه بر اموال تعلق مى گيرد و ما در اين مجموعه با اين ديد به بحث مى پردازيم.

**پيشينه و اهميت زكات**

زكات نه تنها در دين اسلام به عنوان يك اصل مهم شناخته مى شود, بلكه قبل از اسلام نيز يكى از محورهاى عمده در برنامه هاى پيامبران بوده است. قرآن كريم از زبان حضرت عيسى(ع) مى فرمايد: (واوصانى بالصلوة والزكوة مادمت حيّاً; خداوند مرا به نماز و زكات سفارش كرده است.)14  
در قرآن كريم, كلمه زكات بيست و شش بار در كنار نماز يعنى بالاترين عبادت و ستون دين, آمده است.  
امام باقر و امام صادق(ع) مى فرمايند: (خداوند زكات را همراه نماز واجب كرد.)15  
همچنين اميرمؤمنان على(ع) مى فرمايد: (خداوند نماز كسى را كه زكات نپردازد, نمى پذيرد.)16  
در اهميت زكات همين بس كه پيامبر اكرم(ص) در يك روز پنج نفر را به جرم اين كه زكات نمى پرداختند, از مسجد بيرون كرد.17  
محمد بن مسلم مى گويد: از امام صادق(ع) در باره آيه 179 سوره آل عمران: (سيطوقون مابخلوا به يوم القيامه) پرسيدم, آن حضرت فرمود: (كسى از پرداخت جزئى از زكات خوددارى نمى كند مگر آن كه خداوند در روز قيامت آن را به شكل اژدهايى درآورده به گردنش مى اندازد تا مرتب گوشت او را به دندان گرفته و بگزد تا از حساب فارغ شود. اين معناى همان سخن خداوند است كه فرمود: زود باشد كه آنچه بدان بخل ورزيدند, در روز قيامت به گردن آنان آويخته شود; يعنى آنچه از زكات بدان بخل ورزيده اند.)18  
امام صادق(ع) مى فرمايد: (وقتى آيه زكات (خذ من اموالهم صدقه) در ماه مبارك رمضان (در سال دوم هجرت) نازل شد, پيامبر اكرم(ص) به منادى خود دستور داد به مردم خبر دهد: همان طور كه خداوند نماز را بر آنان واجب كرده زكات را واجب كرده است. آن گاه تا يك سال با آنان كارى نداشت. ماه رمضان بعد هنگامى كه از روزه افطار كردند, به منادى دستور داد بين مسلمانان فرياد برآورد: اى مسلمانان! زكات اموال خود را بدهيد تا نمازتان پذيرفته شود.)19  
زكات, پيوندى ناگسستنى با دين و دنياى ما دارد, عاملى مهم براى حيات و توسعه فرهنگ اسلام به شمار مى رود و نقشى عظيم در جهت رونق و آبادانى و سامان دادن به نابسامانى ها و دور كردن آفت ها و زيان ها از جامعه اسلامى دارد, كه در بخش آثار زكات به گوشه هايى از آن اشاره مى كنيم.

**منابع زكات**

زكات بنابر فتواى اكثر مراجع تقليد در نه چيز واجب است: گندم, جو, خرما, كشمش, طلا, نقره, گاو, شتر و گوسفند.  
بايد توجه داشت زكات در صورتى واجب است كه مال به مقدارى كه اسلام مشخص كرده و اصطلاحاً به آن (حد نصاب) گفته مى شود, برسد و مالك آن, بالغ و عاقل و آزاد باشد و بتواند در آن مال تصرف كند.20  
در جدول زير حدّ نصاب و ميزان زكات در هريك از موارد نه گانه مشخص گرديده است:21

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| نوع مال | نصاب | مقدار زكات |
| گندم و جو | 300 من تبريز يا 207/847 كيلوگرم | يك دهم در صورتى كه با باران و آب رودخانه آبيارى شده باشد. يك بيستم در صورتى كه با آب دستى و دلو و موتور پمپ آبيارى شده باشد. |
| خرما و كشمش | 207/847 كيلوگرم | يك چهلم در صورتى كه با هر دو آبى كه در دو قسمت اول گفته شد به طور مساوى آبيارى شده باشد. |
| شتر | تا 5 شتر تا 25 شتر تا 26 شتر | يك گوسفند هر 5 شتر يك گوسفند يك شتر |
| گاو | 30 گاو | يك گوساله كه داخل سال دوم شده باشد. |
| گوسفند | 40 گوسفند | يك گوسفند |
| طلا | 15 مثقال معمولى | يك چهلم ، از چهل قسمت يك قسمت |
| نقره | 105 مثقال معمولى | يك چهلم |

براى آشنايى با ساير مسائل مربوط به زكات واجب به رساله عمليه مراجع مراجعه كنيد.

**موارد مصرف زكات**

زكات را مى توان در هشت مورد مصرف كرد:  
1. فقيران: فقير به كسى مى گويند كه مخارج خود و خانواده اش را ندارد, هرچند به كار مشغول باشد;  
2. مساكين: اين كلمه از ماده (سكون) گرفته شده است و به كسانى مى گويند كه زمين گير و از كار افتاده شده اند و وضعيت بدترى نسبت به فقيران دارند;  
3. كسى كه از طرف امام(ع) يا نايب او مأمور است زكات را جمع آورى, نگه دارى و به حساب آن رسيدگى كرده و به امام يا نايب او و يا به فقيران برساند;  
4. كافرانى كه اگر به آنان زكات داده شود, به دين اسلام علاقه مند مى شوند و يا به هنگام نياز مسلمانان را كمك مى كنند;  
5. خريدارى بردگان و آزاد كردن آنان;  
6. پرداخت بدهى بده كارانى كه نمى توانند قرض خود را بپردازند;  
7. كارهايى كه نفع عمومى دارد; مانند ساختن مدرسه, مسجد, جاده و غيره;  
8. مسافرانى كه در راه مانده اند و هزينه روزانه خود را ندارند, هرچند در وطن پول دار باشند.

**آثار و پيامدهاى زكات**

قرآن كريم و پيشوايان دين آثار فراوانى براى زكات بيان كرده اند كه در اين بخش به برخى از آنها به طور فشرده اشاره مى كنيم:

**الف. پاك سازى و طهارت نفس**

مهم ترين ثمره براى زكات دهندگان, رشد فضايل انسانى و پاك سازى درون از زشتى هاست.  
زكات, تمرين انسان شدن و گردن نهادن به فرمان خدا در راه رفاه مستمندان و برطرف كردن نيازمندى هاى جامعه است.  
استاد شهيد مرتضى مطهرى(ره) مى فرمايد: (انسان ها در سايه گذشت ها, بخشش ها و ايثارها, روحشان روح انسانى مى گردد… اين نكته از قرآن مجيد به خوبى به دست مى آيد; آن جا كه خطاب به رسول خدا مى فرمايد: سخذ من اموالهم صدقه تطهرهم وتزكيهم بهاز. در اين آيه به همان فلسفه سازندگى صدقه [زكات] اشاره مى نمايد… از اموال آنها صدقه بگير كه به اين وسيله آنان را پاكيزه مى كنى و رشد مى دهى. درست مانند گياهى كه با وجين كردن, رشد بيشتر مى يابد و اصولاً هر موجود زنده اى اين چنين است كه [با] گرفتن آفت ها… بيشتر [رشد مى كند.]22

**ب. رفاه عمومى**

يقيناً يكى از مهم ترين علل قانون زكات, فقرزدايى از چهره جامعه اسلامى و بهره مندى يكايك افراد از رفاه عمومى است. از آن جا كه توان مندان با استفاده رايگان و آسان از طبيعت و نعمت هاى خدادادى به جايى رسيده اند و صاحب مال و ثروت شده اند, خداى بزرگ بر آنان واجب كرده به شكرانه اين همه نعمت, مقدار معيّنى از درآمدهاى خود را به مستمندان و بينوايان بپردازند تا آنان هم از رفاه و آسايش عمومى بهره مند گردند.  
زكات دست نوازش خداست كه از راه توان مندان بر سر فقيران كشيده مى شود; همان طور كه امام رضا(ع) مى فرمايد:  
(زكات, نشان رأفت و رحمت نسبت به ضعيفان و مهر و عطوفت نسبت به افراد زمين گير, و عاملى است براى تحريك و تشويق ثروت مندان در راستاى مواسات و برادرى نسبت به فقيران و تقويت بنيه مالى و دينى آنان.)23  
امام صادق(ع) نيز مى فرمايد: (زكات براى آزمايش ثروت مندان و يارى رساندن به فقيران قرار داده شده است. اگر مردم زكات دارايى هاى خود را مى پرداختند, هرگز مسلمانى فقير باقى نمى ماند و به وسيله سهمى كه خدا قرار داده است بى نياز مى شد. مردم, نيازمند و محتاج و گرسنه و عريان نمى شوند, مگر به علت گناه ثروت مندان.)24  
اگر برنامه زكات به خوبى اجرا شود و در مواردى كه مشخص شده مصرف گردد, نقش عظيم آن در زمينه فقرزدايى و توسعه و رفاه و آسايش عمومى و آبادانى شهرها بر همگان روشن خواهد شد.  
در تاريخ آمده است: (عمر بن عبدالعزيز (يكى از خلفاى بنى عباس) يحيى بن سعيد را به گردآورى زكات آفريقا مأمور ساخت, هنگامى كه با كمال مراقبت, زكات آن سرزمين حاصل خيز جمع آورى [شد] و در مصرف آن, به جست وجوى نيازمندان و موارد مصرف آن پرداختند, در پايان كسى را پيدا نكردند كه زكات را از آنان قبول نمايد, چون حكومت وقت همه آنان را مرفه و سير گردانيده بود.)25

**ج. ايمن سازى**

زكات به معناى وسيع آن در فرهنگ اسلام به منزله بيمه اى است كه پرداخت كنندگان آن را از بسيارى آفت ها در امان مى دارد.  
اميرمؤمنان على(ع) مى فرمايد: (حصّنوا اموالكم بالزكاة; اموال خود را با زكات بيمه كنيد.)26  
امام باقر(ع) مى فرمايد: (مانقصت زكات من مال قط ولا هلك مال فى بر او بحر ادّيت زكاته; پرداخت زكات هرگز باعث كم شدن مال نمى شود و مالى كه زكات آن پرداخت شود, در دريا باشد يا در خشكى, هرگز نابود نخواهد شد.)27  
معمولاً هريك از ما انسان ها در طول زندگى با نابسامانى ها و گرفتارى هايى روبرو مى شويم, مال و زندگى مان را از دست مى دهيم, مريض مى شويم, تصادف مى كنيم, گرفتار سيل, زلزله, طوفان, خشكسالى و غير آن مى شويم; در ريشه يابى اين قبيل حوادث تنها به دنبال عوامل بيرونى گشتن خطاست, به طور حتم بخشى از ناملايمات از آن جهت در زندگى ما به وجود مى آيد كه خطا يا گناهى از ما سر زده است. از جمله اين گناهان, بى عدالتى, حق كشى و پايمال كردن حقوق ضعيفان است كه بعضى از آثار نامطلوب آن در همين دنيا گريبان ما را خواهد گرفت و صحت و سلامتى و بركت را از زندگى ما برده و غضب پروردگار را به دنبال مى آورد; از اين رو امام صادق(ع) مى فرمايد: (لو ان الناس ادّوا حقوقهم لكانوا عايشين بخير; اگر مردم حقوق محرومان را مى پرداختند, هميشه زندگى خوب و سالمى داشتند.)28  
امام باقر(ع) نيز در مورد زكات كه حق مستمندان است, مى فرمايد: (در كتاب رسول خدا چنين آمده بود: (وقتى مردم زكات [حق فقيران] را نپرداختند, زمين بركات خود را از آنان دور مى كند; نه زراعت به نتيجه مى رسد و نه ميوه مى دهد و نه معادن ثمر خواهد داد.)29  
هم چنين امام صادق(ع) مى فرمايد: (وقتى زكات پرداخت نشد, چارپايان از بين خواهند رفت.)30  
بنابراين كسانى كه در اندوخته هاى آنان اعم از گندم, جو, ذرت, كشمش, طلا و غيره, زكات يا حقى از ديگران وجود دارد بايد براى ايمن سازى مال و زندگى خود در پرداخت حقوق ديگران شتاب كنند و بدانند حضرت على(ع) فرموده است: (بدترين مال, مالى است كه از آن در راه خدا انفاق نشود يا زكات آن پرداخت نگردد.)31

**د. توسعه در مال و زندگى**

در قرآن كريم لفظ (زكات) سى ودو بار تكرار شده; همان طور كه لفظ (بركت) نيز با مشتقات آن سى ودو بار آمده است و اين نشانه با بركت بودن زكات است.  
امام باقر(ع) مى فرمايد: (الزكات تزيد فى الرزق; زكات, رزق انسان را بركت و افزايش مى دهد.)32  
در قرآن كريم آمده است:(مَثَل آنان كه مال خود را در راه خدا انفاق مى كنند, مَثَل دانه اى است كه هفت خوشه برآورد و در هر خوشه صد دانه باشد. خدا پاداش هر كس را كه بخواهد چند برابر مى كند. خدا گشايش دهنده و داناست.)33  
همان طور كه قبلاً يادآور شديم زكات انفاقى است كه به دستور خدا انجام مى گيرد و در حقيقت نوعى معامله با خداست و بحث خريد و فروش مطرح است. پيامبر اكرم(ص) مى فرمايد: (وقتى خواستى خداوند مال تو را بخرد, پس زكات آن را پرداخت كن.)34 بنابراين, پاداش و مزد آن نيز با خداست و براساس وعده اى كه داده است اين پاداش چند برابر خواهد بود و مايه بركت در زندگى و توسعه در مال خواهد شد.

**هـ. پيوند دل ها**

ييكى ديگر از بركات زكات, پيوند دل هاست كه از آن به (تأليف قلوب) تعبير مى شود و خريد بردگان و آزاد كردن آنان و كمك رساندن به كسانى كه از دين اسلام خارجند يا كسانى كه به انجام دستورات آن پايبند نيستند, از محل درآمدهاى زكات, براى ايجاد الفت و تشويق آنان به پذيرش اسلام و عمل كردن به دستورات آن در اين راستا صورت مى گيرد.  
بايد توجه داشت كه گره گشايى از كار ديگران و كمك رسانى به آنان در مسائل مادى و غير آن حتى در مسائل خانوادگى در نزديك كردن افراد به يكديگر بسيار تأثير دارد.  
در روايات آمده است: (شخصى زن مناسب پيدا نمى كرد, هرچه ازدواج مى كرد, به جدايى مى انجاميد. با اين كه حضرت محمد(ص) را به عنوان پيامبر قبول نداشت, اما خدمت او رسيد و خواسته خود را مطرح كرد. پيامبر(ص) او را به همسر دلخواه و مناسب راهنمايى كرد. وقتى او با آن زن ازدواج كرد و او را مورد پسند خود يافت, به محضر پيامبر رسيد و با اقرار به شهادتين, مسلمان شد.)35  
اسلام دين رأفت و مهربانى است و پيشرفت آن نيز از اين راه صورت گرفته است. از اين رو به مسلمانان اجازه داده شده است كه در راستاى رسيدن به اين هدف مقدس از زكات بهره بردارى كنند.

**زكات فطره**

اين زكات در ارتباط با ماه مبارك رمضان و براى كامل كردن روزه و همراهى و هم دردى با فقيران جامعه مقرر گرديده است. بر هركس كه هنگام ديده شدن هلال ماه شوال بالغ و عاقل و باهوش است و فقير و برده و نانخور كسى نيست, واجب است براى خود و هريك از كسانى كه شب عيد فطر نان خور يا ميهمان او هستند, سه كيلو گندم يا جو يا خرما يا كشمش يا برنج و مانند اينها از چيزهايى كه خوراك بيشتر مردم است, به مستحق بدهد.  
مصرف زكات فطره همان مواردى است كه در زكات واجب آمد, اما بهتر است و بسيار سفارش شده كه اين زكات به مصرف فقيران برسد و آثار و پيامدهاى آن همانند آثار و پيامدهاى زكات واجب مى باشد.

**2. خمس**

دومين برنامه مالى اسلام, (خمس) است. اكثر فقيهان بر اين عقيده اند كه خمس بر هفت چيز تعلق مى گيرد:  
(1. منفعت كسب: هركس از راه تجارت, زراعت, صنعت, كارگرى, كارمندى و هر شغل ديگر سودى ببرد, آنچه را در بين سال به مصرف خوراك, پوشاك, اثاثيه منزل, خريد خانه, عروسى, مهمان دارى و مسافرت برساند, خمس ندارد, اما اگر بعد از مخارج ساليانه اش چيزى باقى ماند, واجب است يك پنجم باقى مانده را از بابت خمس بپردازد.  
2. بهره بردارى از معدن; مانند معدن طلا, نقره, نفت, آهن, مس, نمك, سرب, گوگرد و امثال اينها.  
3. پيدا كردن گنج.  
4. غنايم جنگ.  
5. جواهرى كه به واسطه فرو رفتن در دريا به دست مى آيد.  
6. اگر يهودى يا مسيحى زمينى را از مسلمان خريد, بايد پنج يك آن زمين يا پنج يك قيمتش را از بابت خمس بدهد.  
7. مال مخلوط به حرام: مالى كه با حرام مخلوط شده اگر [انسان] مقدار حرام را نداند و مالك آن را نشناسد, بايد پنج يك تمام مال را از بابت خمس بپردازد تا بقيه حلال گردد.)36  
استاد شهيد مرتضى مطهرى درباره چيزهايى كه خمس دارد مى فرمايد: (آنچه كه در سر كوه ها و شكم وادى ها و جنگل ها پيدا مى شود و غنائم جنگى و غيره, جزء انفال است و اختيارش با خدا و پيغمبر است; يعنى مِلك شخصى كسى نيست. هم چنين ائمه ما گفته اند اختصاص به اينها ندارد, اگر شما گنجى هم استخراج بكنيد, در واقع مِلك شخصى كسى نيست, معادن هم در اصل ملك شخصى كسى نيست و حتى كسى كه كار و كسب مى كند, آن مقدارى كه كار كرده است و خرج و مصرف كرده, ملك شخصى اش بوده. هر مقدار كه درآمد زايد دارد مثل اين است كه ملك شخصى اش نيست, ولى خدا و پيغمبر به فرد اجازه داده اند كه در همه اين موارد ـ با اين كه در اصل ملك شخصى وى نيست ـ از چهار پنجم استفاده كند و يك پنجم آن را به صاحب اصلى كه خدا و پيغمبر است بدهد; يعنى به مصرف اجتماع برسد.)37

**مصارف خمس**

در قرآن كريم آمده است: بدانيد هر غنيمت و فايده اى كه شما مى بريد, يك پنجم آن از خدا و رسول و خويشاوندان و يتيمان و مساكنين و در راه ماندگان است.)38  
منظور از خويشاوندان به نظر بيشتر علماى شيعه, امامان معصوم& است.  
براى خمس شش مصرف ذكر شده است: (سهم خدا, سهم پيغمبر, سهم ذى القربى; يعنى سهم شخص امام يا به اصطلاح سهم امام [كه بايد در راه مصالح عمومى خرج شود] و سه سهم ديگر كه به آن سهم سادات گفته مى شود [عبارت است از سهم] يتيمان, فقيران و درماندگان سادات.)39  
در واقع خمس به دو بخش تقسيم مى شود: نيمى از آن به عنوان سهم امام است كه با اجازه امام يا نايب او, صرف مصالح عمومى مانند ساختن مدرسه, مسجد, بيمارستان, راه و غير آن مى شود و نيمى ديگر به سادات فقير, يتيم و درمانده اختصاص دارد.  
خمس را بايد به سيّدى داد كه آشكارا گناه نكند, در راه نافرمانى خدا پول خرج نكند, علاوه بر اينها فقير باشد; يعنى نه واقعاً ثروتى داشته باشد كه از آن ثروت بتواند زندگى بكند و نه قدرتى داشته باشد كه با آن قدرت بتواند كار كند. اين مَثَل عوامانه كه (به سيد خمس مى رسد ولو اين كه ناودان خانه اش طلا باشد), دروغ است.40  
در اين جا چند نكته باقى مى ماند كه با استفاده از بيانات شهيد مطهرى و در قالب پرسش و پاسخ آن را مطرح مى كنيم:

**پرسش اول ـ آيا هركسى مى تواند خمس مال خود را به مصرف سادات فقير برساند؟**

پاسخ: بيشتر مراجع تقليد اجازه مجتهد در مصرف سهم سادات و سهم امام را لازم مى دانند. بنابراين بايد خمس را به مجتهد جامع الشرايط داد و يا به مصرفى كه او اجازه مى دهد رساند. البته نظر مجتهد هر شخص براى او حجت شرعى است كه بايد براى آشنا شدن با آن به رساله آن مجتهد رجوع كرد.

**پرسش دوم ـ آيا به هر سيد مى توان بيشتر از مخارج سالش, از مال خمس پرداخت؟**

پاسخ: اين اجازه تنها نسبت به زكات هست; يعنى به هر فقير غير سيد مى توان در يك نوبت آن قدر از زكات داد كه غنى شود; يعنى (هم خرج سالانه اش بگذرد و هم بقيه را براى خود سرمايه قرار دهد, اما نسبت به سادات, اين اجازه وجود ندارد; (فقط به اندازه خرج سالش مى توان به او داد.)41

**پرسش سوم ـ اگر مقدار خمس پرداخت شده از سوى مردم به اندازه مخارج سالانه سادات فقير نبود, هزينه زندگى آنان از چه راهى تأمين مى شود؟ و اگر خمس رسيده بيش از مخارج آنان بود, باقى مانده را در چه راهى مصرف مى كنند؟**

پاسخ: (معنى اين كه در آيه قرآن گفته شده است سهم خدا, سهم پيغمبر, سهم ذى القربى, سهم يتيم, سهم مسكين و سهم ابن سبيل, اين نيست كه خمس را ميان اينها تقسيم كنيد [بلكه به اين معنا است كه] اينها گويا نامزد اين سهام شده اند. ريشه و اساس خمس اين است كه بايد به دست پيغمبر برسد و بعد از پيغمبر هم به دست امام برسد; پيغمبر يا امام [يا نايب امام], سادات را از اين بودجه تأمين مى كنند. اگر احياناً زمانى خمس نرسيد, از بودجه ديگر بايد آنها را [اداره] كرد. اگر اين بودجه رسيد, به اندازه متعارف [زندگى آنان را تأمين] مى كنند [و] باقى مانده آن را به مصرف مصالح عامه مى رسانند. در واقع آن مقدارى كه زايد بر مصرف سادات فقير است نيز تعلق دارد به مصالح عمومى مسلمين.)42

**پرسش چهارم ـ چرا سادات از زكات محرومند و براى تأمين هزينه زندگى سادات فقير مالياتى جداى از زكات, يعنى خمس تعيين شده است؟ آيا اين يك نوع امتياز نژادى به شمار نمى رود؟**

پاسخ: همان طور كه قبلاً يادآور شديم زكات يكى از ماليات هايى است كه جزء اموال عمومى به شمار مى رود و در مصرف آن نيازى به اجازه حاكم شرع نيست و هركس مى تواند به هركس و به ميزان دلخواه بابت زكات كمك كند, اما خمس از ماليات هاى مربوط به حكومت اسلامى و در اختيار پيامبر و امام يا نايب او قرار دارد كه زير نظر و به دستور آنان به مصرف مى رسد.  
محروم بودن سادات از دسترسى به اموال عمومى (زكات), در حقيقت براى دور نگاه داشتن خويشاوندان پيامبر از اين اموال و بستن راه هرگونه سوءاستفاده احتمالى بوده است تا نگويند پيامبر اقوام و خويشان خود را بر اموال عمومى مسلط كرده است.  
از طرفى نيازمندان سادات نيز بايد به ترتيبى تأمين شوند, از اين رو در قوانين اسلامى چنين پيش بينى شده كه آنها از بودجه حكومت اسلامى و با قانونى خاص بهره مند گردند. بنابراين, خمس نه تنها يك امتياز براى سادات نيست, بلكه يك نوع كنار زدن آنها از اموال عمومى براى مصالح عمومى و بستن راه هرگونه سوءاستفاده يا سوءظن نسبت به خاندان پيامبر اكرم(ص) است.

**3. انفاق**

ييكى ديگر از برنامه هاى اسلام براى مبارزه با فقر و نزديك كردن مردم به يكديگر از نظر سطح زندگى, انفاق است.  
انفاق, مقابل بخل و خسيس بودن است. يعنى (خرج كردن مال, دادن يا بخشيدن مال به كسى)43 تلاش در راه كمك رسانى به ديگران و شريك كردن نيازمندان در امكانات و درآمدهاى خود.  
فلسفه وجودى انفاق تنها مبارزه با فقر و نادارى نيست, بلكه دايره آن وسيع است. قرآن كريم مى فرمايد: (ومما رزقناهم ينفقون; افراد باتقوا از هرچه به آنان روزى داديم, انفاق مى كنند.)44  
زان مايه كه افتدت به دامان تنهـا نخورى چو ناتمامان45  
عقل و دانش, نيروهاى جسمانى, جان, مال, مقام و موقعيت اجتماعى و به طور كلى همه سرمايه هاى مادى و معنوى و طبيعى كه خداى بزرگ براى زنده ماندن و بهتر زندگى كردن در اختيار انسان گذاشته است را شامل مى شود. همان طور كه گذشتِ از مال در راه مستمندان انفاق است, جانبازى در راه نجات انسان ها و گذشت از مقام و موقعيت اجتماعى نيز انفاق به شمار مى رود.  
مفسر كبير قرآن, علامه طباطبايى(ره), در اين زمينه مى فرمايد: (حقيقت اجتماع دست به دست هم دادن افراد است كه به واسطه كمكى كه به همديگر مى كنند كار همه درست گردد و زندگى همه استوار شود و نيازمندى همه رفع شود. نبايد تصور كرد كه دين مقدس اسلام نيكوكارى را تنها در مال خواسته, بلكه دست گيرى از هر درمانده اى, اگرچه نياز مالى نداشته باشد, مطلوب دين مقدس اسلام و هم يكى از خواسته هاى وجدان انسان است. نادانى را دانش آموختن, نابينايى را دست گرفتن, گمراهى را راهنمايى كردن, افتاده اى را كمك كردن و… همه از مصاديق احسان و نيكوكارى است… [از طرفى] پسنديده بودن نيكوكارى براى نتيجه هايى است كه از آن حاصل مى شود و البته هرچه اين نتايج و آثار, همگانى تر و پاينده تر باشد, نيكوكارى خود نيز پسنديده تر و عالى تر خواهد بود. معالجه يك بيمار, نيكوكارى و احسان است, ولى ساختن و به راه انداختن بيمارستانى كه روزانه صدها بيمار را معالجه مى كند با آن قابل سنجش نيست. تعليم يك دانشجو پسنديده است, ولى هرگز به پايه تأسيس يك مؤسسه اى كه سالانه صدها دانشمند بيرون مى دهد نخواهد رسيد.)46  
رسيدگى به امور نيازمندان آن قدر اهميّت دارد كه لحظه اى درنگ در آن روا نيست. شهيد مطهرى مى فرمايد: (على(ع) در حال ركوع بود, سائلى پيدا شد و سؤالى كرد, حضرت اشاره كرد به انگشت خود. او آمد انگشتر را از انگشت على(ع) بيرون آورد و رفت; يعنى على(ع) صبر نكرد نمازش تمام شود و بعد به او انفاق كند. آن قدر عنايت داشت به اين معنا كه آن فقير را زودتر جواب بگويد كه در همان حال ركوع با اشاره به او فهماند كه اين انگشتر را درآور, برو بفروش و پولش را خرج خودت كن.)47

**ويژگى هاى انفاق**

در قرآن كريم و سخنان پيشوايان دين به عنوان دو منبع بزرگ براى شناخت فرهنگ اسلام, نكات بسيار مهمى درباره انفاق آمده كه در اين جا به مهم ترين آنها اشاره مى كنيم:

**1. انفاق همراه با حفظ شخصيت افراد باشد**

يكى از برنامه هاى جدى اسلام, حفظ شخصيت و آبروى يكايك افراد اجتماع است. از اين رو به هيچ كس اجازه نمى دهد به شخصيت خود و يا عزت و آبروى ديگران لطمه وارد كند. شهيد مطهرى(ره) مى فرمايد: شخصى خدمت امام صادق(ع) آمد و از تنگ دستى خودش گفت كه خيلى فقير شده ام, خيلى ناچارم و درآمدم كفاف خرجم را نمى دهد, چنين مى كنم و چنان. حضرت به يكى از افرادش فرمود: برو فلان مقدار دينار تهيه كن و به او بده. همين كه او رفت, آن شخص گفت: آقا من والله مقصودم اين نبود كه از شما چيزى بخواهم. امام فرمود: من هم نگفتم كه مقصود تو از اين حرف ها اين بود كه از من چيزى مى خواهى, ولى من يك نصيحت به تو مى كنم و آن اين كه سختى و گرفتارى هاى خود را براى مردم نقل نكن, زيرا كوچك مى شوى. اسلام دوست ندارد مؤمن در نظر ديگران كوچك باشد; يعنى صورت خودت را با سيلى هم كه شده سرخ نگه دار, اما عزت خودت را حفظ كن. على(ع) مى گويد: و رضى بالذّل من كشف ضَرَّه; آن كسى كه درد خودش را براى ديگران مى گويد, آبرو و عزت خود را از بين مى برد.48  
از اين رو اسلام به پيروان خود توصيه مى كند قبل از آن كه ديگران از درد فقر و محروميت بى تاب شوند و پيش هر كس و ناكسى دست دراز كرده و آبروى خود را ببرند, با انفاق آنان را يارى رسانند.  
حضرت على(ع) مى فرمايد: (افضل العطية ماكان قبل مذلة السؤال;49 بهترين بخشش آن است كه قبل از ذلت و خوارى پرسش [و گدايى] انجام شود.)  
هم چنين مى فرمايد: (خير الصدقة اخفاها;50 بهترين بخشش آن است كه مخفيانه باشد.)  
و نيز آن حضرت مى فرمايد: (الجود حارس الاعراض;51 بخشش, نگهبان آبروهاست), پس بايد با توجه به اين نكته انفاق كرد.

**2. به جا باشد**

كمك رسانى به ديگران بايد حساب شده و به اندازه باشد و به گونه اى تحقق يابد كه افراد جامعه را به گدايى و تنبلى نكشاند.  
استاد مطهرى در اين زمينه مى فرمايد: (همين جودها و احسان ها و ايثارهايى كه در مواقعى خوب و مفيد است و از نظر جودكننده فضيلتى بسيار عالى است, از نظر گيرنده فضيلت نيست; حساب او را هم بايد كرد, حساب اجتماع را هم بايد كرد, اگر رعايت نشود و حساب نكرده صورت بگيرد, همين فضيلت اخلاقى موجب بدبختى عمومى و خرابى اجتماع مى گردد. صدقات زياد و اوقاف زياد و نذورات زياد و حساب در هرجا كه وارد شد مانند سيل جامعه را خراب كرده, روحيه ها را تنبل و كلاش و فاسد الاخلاق بار آورده و لطمه ها و خساراتى وارد كرده كه كمتر از لطمات و خسارات يك سپاه جرّار نبوده است [و] مصداق كلام خدا درباره برخى انفاقها بوده كه مى فرمايد:… مَثَل انفاق هايى كه در اين دنيا مى كنند و عنوان انفاق و صدقه و امثال اينها بر آن مى گذارند, عيناً مَثَل باد سختى است كه با سرما همراه است و به زراعت مردمى كه به خود ظلم كرده اند مى رسد و همه آن زراعت ها را از بين مى برد. خداوند به آنها ستم نكرده, خودشان به خودشان ستم كرده اند….52  
جودها و احسان هاى حساب نشده كارها را از مدار خارج مى كند. امام سجاد(ع) مى فرمايد: بسيارى از مردم از بس خوبى هايشان را گفتند, فاسد شدند. بسيارى از مردم چون از عيبشان چشم پوشى شد و مورد انتقاد قرار نگرفتند, مغرور شدند و بسيارى از مردم هم چون به آنها احسان شده و از راه كمك ديگران زندگى و كارشان اداره شد, به مرور زمان در غفلت فرو رفتند.)53  
بنابراين براى در امان ماندن از خسارت هاى ناشى از انفاقات حساب نشده و بهره مند شدن از بركات انفاق مورد نظر اسلام كه ثواب آن (هفتصد برابر و براى آنان كه خدا بخواهد دو برابر آن) خواهد بود, بايد اين دستور اسلام را با حساسيت بيشتر دنبال كرد.

**3. همراه با منّت نباشد**

در قرآن كريم آمده است: (مزد كسانى كه اموال خود را در راه خدا انفاق مى كنند و پس از انفاق منّتى نمى نهند و آزارى نمى رسانند, با پروردگارشان است; نه بيمناك مى شوند و نه اندوهگين.)54  
پروردگار متعال انفاق در راه خودش را در صورتى قبول مى كند كه همراه با منّت, زخم زبان, آزار و رنج و كوبيدن شخصيت نيازمندان نباشد. از اين رو در آيه بعد مى فرمايد:  
(اى كسانى كه ايمان آورده ايد, همانند آن كس كه اموال خود را از روى ريا و خودنمايى انفاق مى كند و به خدا و روز قيامت ايمان ندارد, صدقه هاى خود را به منّت نهادن و آزار رسانيدن باطل مكنيد.)55  
حضرت على(ع) نيز مى فرمايد: (المَنّ يفسد الاحسان; منّت نهادن; نيكوكارى را تباه مى كند.)56

**4. با اخلاص همراه باشد**

قرآن كريم توصيه مى كند كه انفاق و نيكوكارى را تنها براى رضاى خدا انجام دهيد تا ثوابى دوچندان نصيب شما شود: (و مَثَل كسانى كه اموال خويش را براى طلب رضاى خدا از روى يقين و اعتقاد انفاق مى كنند, مَثَل بوستان پر تپه اى است كه بارانى تند بر آن بارد و دوچندان ميوه دهد.…)57

**5. از بهترين ها باشد**

كمك كردن به ديگران با چيزهاى نامناسب و كم ارزش, انفاق نيست. قرآن كريم نيكوكارى از راه بخشيدن بهترين چيزها را سفارش كرده و مى فرمايد: (به نيكى و سعادت نخواهيد رسيد مگر آن كه از آنچه دوست مى داريد انفاق كنيد.)58  
در جايى ديگر مى فرمايد: (اى كسانى كه ايمان آورده ايد, از دستاوردهاى خوب خويش و از آنچه برايتان از زمين رويانيده ايم انفاق كنيد, نه از چيزهاى ناپاك و بد كه خودتان آنها را جز از روى اغماض [و ناچارى] نمى گيريد. و بدانيد كه خدا بى نياز و ستودنى است.)59

**خاتمه**

از آنچه گذشت به خوبى روشن مى شود كه اسلام براى جبران كمبودها و حل و فصل امور مردم و پيش گيرى از مشكلات فردى و اجتماعى در ابعاد مختلف آن, چاره جويى كرده و با قرار دادن ماليات هاى اسلامى نظير زكات و خمس و نيز سفارش به انفاقات و صدقات با رعايت شرايط و معيارهاى ارائه شده, زمينه كمك به امور مستمندان و محرومان و نيازهاى جامعه را فراهم ساخته است.  
از ديدگاه اسلام افرادى كه نه به دليل تنبلى و كاهلى و يا شانه خالى كردن از زير بار مسئوليت و كار, بلكه به علل مختلفى همچون بهره مند نبودن از قدرت و فكر و هنر كافى براى كسب درآمد و تأمين معاش زندگى و يا گرفتار آمدن به حوادث طبيعى, با مشكل مواجه مى شوند, شريك اموال اغنيا و ثروت مندانند.  
كمك به محرومان و رسيدگى به امور جارى آنان, بهترين ارزش ها را براى انسان مى آفريند.  
  
پيامبر اكرم(ص) مى فرمايد:  
(هركس گرامى بدارد فقير مسلمانى را, ملاقات كند خدا را روز قيامت در حالى كه او از دستش راضى است.)60  
  
امام باقر(ع) نيز مى فرمايد:  
فقير هديه خدا به ثروت مند است. اگر حاجتش را روا سازد, به راستى كه هديه او را قبول كرده است و اگر حاجت وى را برنياورد, هديه او را نپذيرفته است.)61  
در پايان يادآور مى شويم اگر زمانى خمس و زكات از سوى مردم به اندازه نياز پرداخت نگرديد و انفاقات نيز بسيار كم بود, دولت اسلامى از طريق ماليات هاى مستقيم و غير مستقيم كه بر بخش هاى مختلف صنعتى, توليدى, خدماتى, تجارى و غيره وضع مى كند, نيازهاى جامعه را برطرف مى كند و اين چيزى است كه در زمان ما رايج است و بحث از آن در اين مختصر نمى گنجد.

**پى نوشت ها:**

1 ـ مصباح اللغة و مفردات راغب, واژه زكات.  
2 ـ آل عمران(3) آيه 164.  
3 ـ نهج البلاغه, كلمات قصار, شماره147.  
4 ـ بحارالانوار, ج96, ص7.  
5 ـ همان, ج78, ص268.  
6 ـ غررالحكم و دررالكلم, ج4, ص104.  
7 ـ همان, ص105.  
8 ـ همان.  
9 ـ همان, ص106.  
10 ـ همان.  
11 ـ همان.  
12 ـ همان, ص104.  
13 ـ همان, ص105.  
14 ـ مريم(19) آيه 31.  
15 ـ وسائل الشيعه, ج9, ص63.  
16 ـ مستدرك الوسائل, ج7, ص8.  
17 ـ وسائل الشيعه, همان, ص24.  
18 ـ الكافى, ج3, ص502.  
19 ـ وسائل الشيعه, ج6, ص3.  
20 ـ امام خمينى, تحريرالوسيله, ج1, ص312.  
21 ـ جدول از رساله احكام براى نوجوانان, صفحه126, مطابق با فتواى آيةاللّه بهجت گرفته شده است.  
22 ـ توبه(9) آيه 104.  
23 ـ آشنايى با قرآن, ج1, ص135.  
24 ـ بحارالانوار, ج91, ص18.  
25 ـ وسائل الشيعه, ج6, ص4.  
26 ـ شبهات حول الاسلام, ص100; به نقل از: مكتب اسلام, سال شانزدهم, شماره12, ص49.  
27 ـ بحارالانوار, ج78, ص60.  
28 ـ همان, ج96, ص8.  
29 ـ وسائل الشيعه, ج6, ص6.  
30 ـ بحارالانوار, ج73, ص369.  
31 ـ همان, ص373.  
32 ـ غررالحكم و دررالكلم, ج4, ص165.  
33 ـ بحارالانوار, ج78, ص183.  
34 ـ بقره(2) آيه261.  
35 ـ بحارالانوار, ج96, ص23.  
36 ـ وسائل الشيعه, كتاب النكاح, باب22 از ابواب مقدماتى, حديث1.  
37 ـ ابراهيم امينى, همه بايد بدانند, ص175ـ 178.  
38 ـ آشنايى با قرآن, ج3, ص77ـ 78.  
39ـ انفال(8) آيه 41.  
40 ـ اقتباس از: مرتضى مطهرى, آشنايى با قرآن, ج3, ص79ـ82.  
41 ـ همان, ص80.  
42 ـ همان, ص81; با اندكى تغيير; اين مطلب از وسائل الشيعه, باب3 از ابواب قسمت الخمس, حديث 1و2 نيز استفاده مى شود.  
43 ـ فرهنگ عميد.  
44ـ بقره(2) آيه 4.  
45 اميرخسرو دهلوى.  
46 ـ آموزش دين, ص234ـ 235.  
47 ـ امامت و رهبرى, ص60 ـ61.  
48 ـ گفتارهاى معنوى, ص185, با اندكى تغيير.  
49 ـ غررالحكم و دررالكلم, ج2, ص427.  
50ـ همان, ج3, ص425.  
51 ـ همان, ج1, ص91.  
52 ـ آل عمران(3) آيه 113.  
53 ـ بيست گفتار, ص8 ـ9; روايت از حضرت على(ع) به صورتى ديگر نقل شده است: (كم من مستدرج بالاحسان اليه ومغرور بالستر عليه ومفتون بحسن القول فيه); بحارالانوار, ج5, ص220; به نقل از نهج البلاغه.  
54 ـ بقره(2) آيه 262.  
55 ـ همان, آيه 264.  
56 ـ غررالحكم و دررالكلم, ج1, ص199.  
57 ـ بقره(2) آيه 265.  
58 ـ آل عمران(3) آيه 92.  
59 ـ بقره(2) آيه 267 .  
60 . امالى شيخ صدوق, ص 429 .  
61 . بحارالانوار, ج 93, 170 .